



درباره نمایش «پهلوان قلیچ» به کارگردانی مشترک رضا محمدیان جوادی و حسین قاسمی

پهلوانی که به جهان مدرن آری گفت



محمدحسین خدایی

شوند بادخیل بستن به باز یگران معروف وهمچنین سلبریتهای فضای مجازی، محصولی مناسب برای فرادستان جامعه تولید کنند.این داد و ستد اقتصادی که به واسطه هنر نمایش ممکن شده، این نوید را به همگی مامی دهد که در دوران جدید، ملاک و معیار بر صحنه آمدن یک اجرا، فقط به مسائل زیاشناسانه ربط ندارد و عوامل جانبی چون میزان سود، موفقیت در جلب اسپانسر و جذب سرمایه گراز، از مهم ترین دغدغه های عده ای از کارگردانان وبازیگران هنر نمایش خواهد بود.این «صنعت فرهنگ» که فارغ از نیازهای جامعه تولید می شود به کار مصرف آمده و نظام زیباشناسی و اخلاقی مخاطبان را مد نظر ندارد. این شکل رابطه اقتصادی در زمانه بحران، ناگزیرتر تشدید می شود و همچون نقشه راهی مطمئن عمل می کند تا سرمایه به خطر نیفتد. هر آن چیزی که بهتر بفروشد و حاشیه سود را بالا ببرد در اولویت بعضی گروه های تئاتری قرار گرفته و این شرایط را به سرمایه داران می دهد که گمراه نشوند و در همین مسیر ترسیم شده تولیدو عرضه تئاتر لاکچری، قدم گذاشته و در پی جلب پراستمن جامعه باشند. نتیجه محتوم این رویکرد هنری، خلق فضایی کاذب است که تنها به کار سرگرمی تماشاگران وانباشت جیب تهیه کنندگان می آید. وقتی کلیت اکوسیستم تئاتر به این سو حرکت می کند که موفقیت را

پاییز از راه رسیده و خنکی مطبوع هوا علیه گرمای تحمل ناپذیر تابستان وارد عمل شده تا زندگی مردمان، اندکی آسایش یابد و بر وفق مراد شهروندان شود. در این میان، فضای فرهنگ کشور تحت وضعیت دشوار اقتصادی، کمابیش دچار رخوت است و ناپهنجاری های گاه و بی گاه، چرا که قیمت بسیاری از محصولات هنری چون تئاتر، در این وانفسای تورم، سیر صعودی یافته و از دسترس خیل کثیری از مخاطبان همیشگی تئاتر خارج شده است. گو اینکه قیمت بعضی نمایش های لاکچری که سودای ملی گرایانه دارند سر به فلک کشیده و به بلیت های چند میلیون تومانی رسیده است، به هر حال هزینه های تولید چنان بالا رفته که بلیت چند میلیونی برای بعضی اجراهای برزرق و برق، چندان گزاف به نظر نیامده و طبقه فرادست جامعه را به این صرافت انداخته که با پرداخت هزینه های هنگفت به تماشای این قبیل نمایش های چهره محور مبادرت ورزند که برای آنان تمایز اجتماعی ایجاد می کند. کیست که نداند مدتی است طبقه متوسط شهری، از بازار محصولات فرهنگی به بیرون پر تاب شده و توان تهیه بلیت بسیاری از اجراها را ندارد. پس جای تعجب نخواهد بود که عوامل اجرایی پروژه های گران قیمت هنری، بیش از پیش ترغیب

گزارش

به بهانهٔ امکان خرید قسطی بلیت کنسرت همایون شجریان

وقتی فرهنگ هم قسط بندی می شود!

در دوران فشار اقتصادی، معمولاً نخستین هزینه‌هایی که از سبد خانوار حذف می‌شوند، هزینه‌هایی هستند که در دسته نیازهای ضروری قرار نمی‌گیرند. فرهنگ، هنر، تفریح، سفر، کتاب، سینما و موسیقی معمولاً در همین دسته قرار می‌گیرند. مردم ابتدا از تعداد دفعات رستوران رفتن و سفر کردن می‌زنند، بعد خرید کتاب و رفتن به سینما و تئاتر کمتر می‌شود و در نهایت ممکن است کنسرت نیز به تجربه‌ای تبدیل شود که فقط گروه محدودی از جامعه توان پرداخت هزینه آن را دارند.از این منظر، «کنسرت قسطی» صرفاً یک مدل فروش نیست، می‌تواند نشانه‌ای از کوچک شدن سفره فرهنگی مردم باشد.

اما در سمت همین جا باید نیمه دیگر ماجرا را هم دید. آیا باید از قسطی شدن بلیت کنسرت گلایه کرد؟ شاید نه.اگر قرار است انتخاب میان «صلات رفتن» و «رفتن با پرداخت اعتباری» باشد،



دومی می‌تواند اتفاق مثبتی باشد. در شرایطی که بحران اقتصادی ممکن است فرهنگ را به تدریج از سبد خانوار حذف کند، هر روشی که بتواند مخاطب را همچنان با هنر و هنر مند مرتبط نگه دارد، ارزش بررسی دارد.

اتفاقاً اهمیت این اقدام از همین جانشانی می‌شود. شاید همایون شجریان و مجموعه بر گزار کننده کنسرت، ناخواسته به یک واقعیت مهم توجه کرده‌اند: مخاطب موسیقی همچنان وجود دارد، دلاقه به کنسرت از بین نرفته، اما توان پرداخت نقدی کاهش پیدا کرده است. بنابراین به جای اینکه مخاطب را از دست بدهند، شیوه پرداخت را تغییر داده‌اند.ا این البته نباید مارا از ریشه مسئله غافل کند.

وقتی تهیه کنندگان موسیقی از افزایش هزینه‌های برگزاری کنسرت و خطر ضرر مالی سخن می‌گویند و هم‌زمان قیمت بلیت

شاید چند سال پیش، تصور اینکه کسی بلیت کنسرت را قسطی بخرد، عجیب به نظر می‌رسید. امروز اما خرید اعتباری تقریباً به بخش‌های مختلف زندگی اقتصادی مردم راه پیدا کرده است. مسئله مهم اینجاست که اکنون این مدل پرداخت به حوزه‌ای رسیده که اصولاً قرار بود بخشی از کیفیت زندگی باشد. کنسرت همایون شجریان امکان پرداخت اعتباری فراهم شده، اما برای شاید اتفاقی مثبت و حتی نشانه‌ای از نوآوری در بازار موسیقی باشد اما پشت این خبر، واقعیتی تلخ تر پنهان است. وقتی مردم برای رفتن به کنسرت هم به اعتبار و قسط نیاز پیدا می‌کنند، یعنی فشار اقتصادی تا جایی پیش رفته که حتی تفریح و تجربه فرهنگی نیز دیگر به‌سادگی از در آمدد ماهانه خانوار تأمین نمی‌شود.

اخبار فرهنگی

محمد مسلمی با انتقاداز عملکرد تلویزیون در تولیدات کودک ونوجوان:
کره‌ای‌ها ارتباط بهتری با بچه‌های ما دارند تا خودمان



کارگردان وبازیگر آثار کودک ونوجوان تلویزیون، تئاتر و سینما، با انتقاد از عملکرد تلویزیون در تولید آثار کودک ونوجوان و همچنین نبود فیلم‌ها و سریال‌های مناسب، گفت: کره‌ای‌ها ارتباط بهتری با بچه‌های ما دارند تا خودمان. محمد مسلمی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، اظهار کرد: با توجه به اتفاقاتی که در دنیارخ می‌دهد، سرعت تکنولوژی، تولیدات محتوایی مختلف با کیفیت گرافیکی بالا و... باعث شده تا نگاه کودک‌ان ونوجوانان نسبت به گذشته متفاوت باشد و سلیقه دیگری داشته باشند، به همین دلیل ساخت هر اثر هنری برای این نسل باید با شناخت آن‌ها و دقت نظر در تفاوت‌هایشان با نسل‌های قبل صورت بگیرد.

مسلمی تصریح کرد: اصلی‌ترین مشکل در این زمینه این است که به ساخت اثر کودک ونوجوان بها داده نمی‌شود و حمایتی هم از این آثار صورت نمی‌گیرد. تلویزیون برای ساخت اثر کودک به یک میز وعروسک بسنده کرده واز این فراتر نمی‌رود در حالیکه کودک امروز اصلاً با چنین ساختاری ارتباط برقرار نمی‌کند، سینما هم نیازمند سرمایه‌گذاری است که متأسفانه در کلیت سینما آنچه که سرمایه‌گذارها برای سرمایه‌گذار به آن رغبت دارند فیلم کم‌دی است و به همین دلیل سسینمای کودک در اقلیت قرار گرفته است. سسینمای کودک ونوجوان نیازمند حمایت است، تئاتر و نمایش خانگی هم همینطور هستند و باید از تولیدات کودک ونوجوان حمایت شود و در غیر این صورت دست ما برای تولیدات کودک ونوجوان خالی می‌شود. متأسفانه نهادهای فرهنگی کار کودک را کودکانه می‌بینند و تصویری کنند که کار در این حوزه ساده است ونیازی به سرمایه‌گذاری و حمایت چندانی هم وجود ندارد.

■ ■ ■

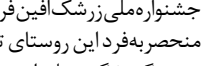
مسئند انیمیشن «۹۹» در دو جشنواره بین المللی انیمیشن
مسئند انیمیشن «۹۹» به بخش مسابقه دو جشنواره تخصصی انیمیشن ANIMEST رومانی و ANIMAGE برزیل راه یافته است. به گزارش ایلنا، این اثر حدود ۷ دقیقه‌ای به‌تازگی مسیر حضورهای جشنواره‌ای خود را آغاز کرده و در نخستین حضورهای بین‌المللی، در این دورویاداد به رقابت می‌پردازد. این اثر همچنین به بخش مسابقه فیلم کوتاه شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی انیمیشن ANIMAGE برزیل راه یافته است. در این دوره بیش از سه هزار و ۱۲۵۰ اثر از ۱۰۸ کشور متقاضی حضور در جشنواره بودند که در نهایت ۱۱۶ فیلم کوتاه از ۴۴ کشور برای بخش رقابتی انتخاب شدند. این جشنواره از ۲۰ تا ۲۹ نوامبر ۲۰۲۶ در شهر رسیفی برزیل برگزار خواهد شد.

مسئند انیمیشن «۹۹» با محوریت یک پرونده خطای پزشکی درباره یک بیمار دیابتی شکل گرفته است؛ روایتی که به‌جای بازگویی مستقیم ماجرا، بر زبان تصویر، مینیس، حرکت و ساختار بصری متکی است. علی معصومی و آرزو محمدی در کارگردانی این اثر، زبان مسئند را با امکانات انیمیشن دستی و تکنیک‌های زیر دوربین تلفیق کرده‌اند. کارگردانان: علی معصومی و آرزو محمدی، تهیه‌کننده: مهدی محمدی، تولید: مؤسسه فرهنگی هنری دانش‌بنیان سبز آفرنگ فیلم، سال تولید: ۱۴۰۵

■ ■ ■

جشنواره زرشک برگزار می شود

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی به تائید بر مردم‌محور بودن رویدادهای گردشگری استان گفت:



جشنواره ملی زرشک‌افین فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های منحصر به‌فرد این روستای تاریخی و تقویت جایگاه آن در عرصه گردشگری ملی است. به گزارش وزارت میراث، سید احمد برآبادی چهارشنبه ۱۵ مهر ماه در جلسه هماهنگی و برنامه‌ریزی برگزاری جشنواره ملی زرشک با تأکید بر ضرورت برگزاری باشکوه جشنواره ملی زرشک‌افین اظهار کرد: رویدادهای گردشگری زمانی می‌توانند اثرگذاری و ماندگاری بیشتری داشته باشند که مردم محلی در متن و نه در حاشیه آن قرار داشته باشند. افزود: رویکرد ما این است که تمامی رویدادهای گردشگری استان با محوریت مردم، در فضایی شاد و مفرح و با مشارکت فعال جامعه محلی برگزار شود و این الگو در استان نهادینه شود. جشنواره ملی زرشک جشنواره گردشگری آفین ۱۶ و ۱۷ مهرماه ۱۴۰۵ هم‌زمان با فصل برداشت زرشک برگزار می‌شود و علاوه بر معرفی محصول راهبردی زرشک، ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری روستای آفین و شهرستان زیرکوه را به مخاطبان معرفی خواهد کرد.

«زبور»، برنده دو جایزه از جشنواره‌های ایتالیا و نابلند

فیلم کوتاه «زبور» به کارگردانی صباح محمدی، از جشنواره‌های جهانی در ایتالیا و نابلند شد. فیلم کوتاه «زبور» به نویسندگی و کارگردانی صباح محمدی و تهیه‌کنندگی انجمن سینمای جوانان ایران دفتر کردستان و صباح محمدی، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم کوتاه روایی از یازدهمین دوره جشنواره نبرودی در ایتالیا و لوح تقدیر از دومین دوره جشنواره بین‌المللی باتکوک در نابلند شد. به گزارش مشاور رسانه‌ای پروژه، جشنواره باتکوک Bangkok، ۱۳ تا ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶ (۲۲ شهریور تا ۵ مهرماه ۱۴۰۵) برگزار شد. در خلاصه داستان «زبور» آمده است: «زبور، مسئول خوابگاه دختران است. او شبی با دانشجویی که دیر به خوابگاه آمده، درگیر می‌شود».

امادراین میان هستند اجراهایی که خلاف این جریان حرکت می‌کنند و علاوه بر کیفیت خوبی که دارند، مخاطب را سرگرم کرده و نظام زیباشناسی او را تا حدودی ارتقا می‌دهند. برای نمونه می‌توان به اجرایی از جوانان شهرورامین اشاره کرد که تحت عنوان «پهلوان قلیچ» توانسته یک فضای تماشایی از حال و هوای نمایش ایرانی بسازد و تماشاگران حاضر در سالن حافظ تهران را به سیاحتی مفرح در باب تاریخ معاصر دعوت کند. متن نمایشنامه را رضا محمدیان جوادی نوشته و به‌طور مشترک با حسین قاسمی بر صحنه آورده است. ماجرای نمایش در رابطه با مواجهه د نسل از جوانان ایرانی با مقوله عشق است و حد و حدود تلاشی که برای رسیدن به معشوق انجام می‌دهند. با آنکه پهلوان قلیچ در الگوی سفر قهرمان، همراهیروهای ماورایی می‌شود و از قدرت جادویی دیوها کمک می‌طلبد، اما او در نسبت با جوان امروزی که از جای خود تکان نخورده و می‌خواهد با کمترین زحمت، بیشترین دستاورد را نصیب ببرد جوانی اهل خطر کردن است و به سفر رفتن و روبرو شدن باعجایب روزگار، پهلوان قلیچ در مسیر خود، به ممالک دیگری چون هندوستان و عثمانی سفر کرده‌از دشواری آن دیار، آگاه می‌شود. اخلاقیات پهلوانی این جوان عاشق پیشه، در راستای حل و فصل مشکلات دیگران است و بازگشت به میهن از برای وصل عاشقانه، چرا که در نظر او وفاداری به عشق، مهم‌ترین وظیفه انسانی‌اش بوده و به هیچ وجه نباید دچار خدشه شود. روایتی که نمایشنامه‌نویس در صدد است آن را بیابان کند تا سفر قهرمان واجد مازادی قابل اعتنا شود، بر مبنای همین انسان‌گرایی مطعوف به سوزه عشق شدن است. الگویی تکرار شونده که بارها در ادبیات داستانی و نمایشی جهان بکار گرفته شده و نتایج کمابیش مشترک و قابل انتظاری را در برداشته است. از این جهت



می‌توان نمایش پهلوان قلیچ را قدم زدن در راهی آشنا دانست که به خوبی به انجام رسیده و نتیجه دلخواه را حاصل نموده است. اما در این مسیر از یاد برده نشده که خنده می‌تواند زندگی پهلوان قلیچ را معنایی تازه بخشد. پس کم‌دی همان امکانی است که این نمایش تمثیلی انتخاب کرده و توانسته پسند مخاطبان را فراهم کند. بازیگران چون فائزه الیکانی، ساره کیا، نگار میرآقائی، نازنین مضانی، رضا محمدیان جوادی، سیدمهر داد کاوسی، سیدمحمدحسین میره‌ای، حسن کاظمی، سجاد کوروش‌فر، مجتبی فتحی، امیر کریمی، امیررضا رحیمی و محمد یکتا در این پروژه اجرایی مشارکت داشته و به نسبت این فرصت را داشته‌اند که در خدمت سیاست‌های اجرایی کارگردانان باشند. تلفیق ظرفیت‌های نمایش ایرانی با تئاتر مدرن غربی، موجب خلق یک جهان انتقالبی شده که از قضایه خوبی‌کاری می‌کند و نمایش را به پیش می‌برد. صحنه‌هایی که با فانتزی و شگفتی همراه شده و سرگذشت پهلوان قلیچ را بی‌وقفه تحت تأثیر خودش درمی‌آورد از نکات قابل اعتنای اجراست. در همین راستا، طراحی نور، صحنه، موسیقی و لباس در خدمت جهان هیبریدی نمایش قرار گرفته و موجب غنای آن شده است. اصولاً در این فرم اجرایی، آن چیزی که به چشم می‌آید کنار هم قرار گرفتن همین تناقضات و خلق یک جهان منکثر به لحاظ هستی‌شناختی است که شرق و غرب را تا حدودی نمایندگی می‌کند. پهلوان قلیچ و دیو باهمراه هم‌راهی چندان شرقی است و نه چندان غربی. این دو موجود، معاصر گذشته و اکنون ما بوده و به نظر مملوس و غربی می‌نمایند.

در نهایت می‌توان گفت نمایش پهلوان قلیچ، از شهری چون ورامین تهران، با شرکت در جشنواره فجر، این شانس را یافته که به مرکز بیابند و مخاطبان این روزهای تئاتر سپاخته را با دیگر با یکی از آثار بسنده و بی‌ادعای تئاتری آشنا کند. اجرایی که به راحتی حرف خود را می‌زند و فرم مناسبی دارد. امید که این گروه جوان ورامینی بیش از این بتواند به کار تولید آثاری دست‌بزند که علاوه بر خندانن مخاطب، سعی دارند سوبه‌ای اخلاقی و تقادانه به وضعیت عمومی جامعه داشته و این مهم را به واسطه تئاتر یکالیته ممکن می‌کنند. حتی اگر تلاش پهلوان قلیچ همچنان با نیر وهای ماورایی ممکن شده باشد و در این مسیر، جادو بیش از عاملیت انسانی به کار عشاق جوان آید اما همچنان کار این گروه تئاتری ارزشمند است. این اجرا بار دیگر اهمیت معاصر کردن نمایش ایرانی را گوشزد کرده و از کم‌دی بهره‌ها می‌برد. جایی که پهلوان قلیچ دست از کسوت پهلوانی کشیده و از، نو زندگی روزمره را تجربه می‌کند نمایش به چیزی بی‌ش از خودش بدل شده و مرز میان کبش و تراژدی را کمرنگ می‌کند. در نتیجه باحساسه پهلوان قلیچی و روبرو هستیم که زندگی را به همان اندازه پهلوانی ستایش می‌کند.

این اقدام شاید در نگاه اول مثبت باشد؛ بالاخره کسی که توان پرداخت یکجای هزینه بلیت را ندارد، می‌تواند با پرداخت مر حل‌های به کنسرت برود. اما مسئله اینجاست که چرا باید وضعیت معیشتی مردمی به این روز افتد که حتی برای تأمین ابتدایی‌ترین نیازهایشان به اعتبار و قسط پناه برده‌اند یا حتی تفریح هم به فهرست بدهی‌های خانوار اضافه شود؟

زندگی چطور قسطی شد؟

قسطی شدن خریدها دیگر محدود به کالاهای گران قیمت نیست. سال‌ها پیش خرید اقساطی بیشتر برای مسکن، خودرو، لوازم خانگی یا کالاهایی باقیمت بالا معنا داشت؛ امروز، اما مفهوم «قسطی» به بخش‌هایی از زندگی رسیده که قرار بود ساده‌ترین و عادی‌ترین هزینه‌های یک خانواده باشند.

مردم برای خرید خوراکی‌ها، پرداخت هزینه درمان، آموزش، سفر و انواع خدمات به‌انتخاب نیاز دارند. در چنین شرایطی، اعلام امکان خرید قسطی بلیت کنسرت، بیش از آنکه صرفاً یک نوآوری در شیوه فروش باشد، نشانه‌ای از فلاکت جامعه است.

نقدی بر اقدام همایون شجریان

وجه دیگر این ماجرا، اما اقتصادی نیست و به رفتار و تصمیم همایون شجریان برمی‌گردد. اگر هدف از فروش اعتباری بلیت این است که مردم بیشتری بتوانند به کنسرت بیایند، چرا با کاهش قیمت بلیت این امکان را فراهم نکرده‌اند؟

طبیعی است که برگزاری کنسرت هزینه دارد. دستمزد نوازندگان، سالن، تجهیزات، تبلیغات، حمل‌ونقل، عوامل اجرایی و ده‌ها هزینه دیگر باید پرداخت‌شود و نمی‌توان از هنرمند انتظار داشت تمام هزینه‌های یک پروژه تجاری را، خصوصاً تقبل کند. اما وقتی سخن از کمک به مخاطب و حفظ ارتباط با مردم به میان می‌آید، می‌توان پرسید آیا واقعاً بهترین راه، به‌هکار کردن مخاطب است؟

برای خانواده‌ای که توان پرداخت دو میلیون تومان را ندارد، اینکه بتواند این مبلغ را چند مر حل‌های پخش در، الزاماً به معنای ارزان شدن کنسرت نیست. فقط پرداخت هزینه را از امروز به ماه‌های آینده منتقل می‌کند.

اگر یک هنر مند اقامی خواهد بخشی از جامعه‌ای را که تحت فشار اقتصادی است همراه خواهد داشت، می‌تواند با تخفیف مستقیم بلیت، اختصاص بخشی از ظرفیت سالن به بلیت‌های ارزان‌تر یا طراحی بلیت‌های حمایتی، اقدام موثرتری انجام دهد. آنچه باعث می‌شود از همایون شجریان توقع داشته باشیم که به جای قسطی کردن بلیت، قیمت را کاهش دهد این است که همین که قسطی شدن برای برگزاری کنسرت چ‌خیابانی و رایگان و در میدان آزادی کلسی جنجال به راه افتاده بود، عدم برگزاری این برنامه حواشی بسیاری داشت که قصد ورود به آن را نداریم. اما آق‌ای هنر مند آن زمان با نا اراحتی اعلام کرده بود که تجهیزات گروه اجازه ورود به میدان آزادی را پیدا نکرده و امکان مدیریت مجسمه میلیونی وجود ندارد؛ لذا انتظار می‌رفت همایون شجریان اکنون که فرصت فراهم شده با اعمال تخفیف در هزینه بلیت کنسرت خود- به جای قسطی کردن آن- آن تصویری که در ذهن مردم ساخته شده بود را از میان ببرد؛ تصویری هنر مندی که می‌خواست برای جمعیتی گسترده و بدون دریافت پول از مردم روی صحنه برود.